دورنمای همکاریهای بین المللی در صنعت گاز

هاشمیان، محسن

عالیجنابان،میهمانان محترم،خانمها و آقایان

برای این جانب باعث کمال خوشوقتی است که می‏توانم در میان جمع بزرگی از صاحبنظران، دست‏اندرکاران و نخبگان صنعت گاز و اقتصاد جهان حضور یافته و ضمن استفاده از این فرصت،برخی‏ از نقطه نظرات خود را در مورد دورنمای همکاریهای بین‏المللی در صنعت گاز عنوان نمایم.

تغییرات اساسی در سیاست انرژی در جهان طی سالهای اخیر سبب شده است که تقاضا برای گاز بسیار سریعتر از آنچه در گذشته تصور می‏شد افزایش یابد.دستیابی به هوا،خاک،آب و به طور کلی‏ محیط پاک، امروز یکی از مهمترین مشغله فکری جهانیان می‏باشد.بدین لحاظ روز به روز محبوبیت گاز جهت تولید انرژی افزوده می‏شود چرا که گاز به مناسبت خواص فیزیکی و شیمیایی خود کمتر سبب‏ آلودگی هود و متصاعد شدن گازهای خطرناک همچون مونواکسید کربن می‏شود.مقررات سخت محیط زیست در اکثر نقاط جهان بویژه در بازارهای اصلی مصرف گاز یعنی اروپا،آمریکا و ژاپن سبب گردیده‏ است که گاز جایگاه ویژه‏ای در ترکیب مصرف انرژی جهان حاصل نماید.باید توجه داشت که در گذشته نه چندان دور در بسیاری از نقاط گاز به عنوان یک عنصر بی اهمیت و نامناسب سوزانده می‏شد و در مناطق معدودی کاربرد داشت.به طور مثال در سال 1950 تنها 17 کشور جهان از گاز به عنوان یک‏ سوخت استفاده می‏کردند،در حالی که در سال 1996 بیش از 70 کشور از این سوخت استفاده‏ می‏نمایند.

طبق مطالعاتی که در مورد جمعیت شناسی صورت گرفته است،جمعیت جهان تا سال 2020،7/2 میلیارد نفر دیگر افزایش یافته و به مرز 8 میلیارد نفر خواهد رسید که البته این افزایش عمدتا در کشورهای در حال توسعه روی خواهد داد که مصرف سرانه انرژی کمتری دارند لیکن در همین کشورها نیز اکثر مردم روشهای سنتی زندگی و کسب را کنار گذاشته و سریعا به شهرنشینی و استفاده از سوختهای‏ متداول امروزی مانند نفت،گاز و غیره به جای سوختهای سنتی مانند چوب و بیوماس روی می‏آورند. نتیجه آنکه پیش‏بینی می‏گردد طی دو دههء اول قرن آتی سرانه مصرف انرژی در جهان در حال توسعه‏ بسیار سریعتر از درصد رشد جمعیت افزایش یابد.طبق گزارشات شورای انرژی جهانی World Energy Council(WEC) طی دو دههء فوق‏الذکر مصرف انرژی یک فرد چینی 85 درصد و یک فرد هندی 145 درصد رشد خواهد داشت و این در حالی است که چین و هند مجموعا 40 درصد از جمعیت جهان را شامل می‏شوند.

از سوی دیگر با همه تمهیداتی که جهت جلوگیری از مصرف انرژی،افزایش کارایی و کاهش شدت‏ انرژی در کشورهای توسعه یافته جهان انجام گردیده است،به لحاظ فراهم آوردن هر چه بیشتر رفاه‏ اجتماعی و همچنین ادامه رشد مطلوب اقتصادی،پیش‏بینی می‏گردد که رشد مصرف انرژی طی بیست‏ سال آتی در این قسمت از جهان نیز کماکان ادامه یابد.نتیجه کلی آن که افزایش مصرف انرژی در جهان‏ طی سالهای آتی امری ضروری و غیر قابل اجتناب می‏باشد.

نگاهی به روند تولید منابع مختلف انرژی در جهان نمایانگر آن است که تولید گاز جهان طی دهه‏ گذشته از 1670 میلیارد متر مکعب(در سال 1985)به رقم 2120 میلیارد متر مکعب(در سال 1995) رسیده و فی‏الواقع 27 درصد افزایش یافته است که در میان منابع انرژی پس از انرژی هسته‏ای(که طی‏ همین مدت 56 درصد افزایش داشته)دومین رشد تولید را نشان می‏دهد.

حال با توجه به مشکلاتی که انرژی هسته‏ای با آن روبروست که عمده‏ترین آن مسائل ایمنی،دفن‏ پسمانهای مضر و حالت منفی روانی ناشی از حوادث چرنوبیل در اوکراین و ترمایل‏ایلند در آمریکا می‏باشد،پیش‏بینی می‏شود که رشد تولید انرژی هسته‏ای طی سالهای آتی از آهنگ بسیار کندتری نسبت‏ به گذشته برخوردار باشد.همچنین بنابر ملاحظات زیست محیطی که بدان اشاره گردید میزان درصد مصرف زغال سنگ نیز در آینده کاهش خواهد یافت.نتیجه آن که در دهه‏های اول قرن یست و یکم‏ احتمالا گاز بالاترین رشد تولید را در میان منابع انرژی به خود اختصاص خواهد داد.به طوری که‏ پیش‏بینی می‏گردد سهم گاز در تأمین انرژی جهان از 23 درصد در حال حاضر به 30 درصد در سال‏ 2020 افزایش یابد.بر این اساس گاز پس از نفت در آن سال دومین منبع تأمین کننده انرژی در جهان‏ خواهد بود. نگاهی به عمر ذخایر هیدروکربوری نشان می‏دهد که عمر ذخایر گاز با نرخ تولید فعلی حدود 65 سال می‏باشد که در مقایسه با عمر ذخایر نفتی جهان که به طور میانگین حدود 43 سال است از وضعیت‏ مطلوبتری برخوردار است.بدین ترتیب عمر ذخایر گاز 22 سال(50 درصد)بیش از عمر ذخایر نفتی‏ می‏باشد.از این رو جهان مصرف کننده جهت تأمین نیازهای آتی انرژی خود بیشتر از نفت می‏تواند بر گاز متکی باشد.

مقایسه ذخایر گاز با میزان مصرف آن در مناطق مختلف جهان آشکار کننده این واقعیت است که‏ قطبهای اصلی مصرف گاز جهان(به غیر از شوروی سابق)دارای ذخایر اندک گاز می‏باشند.در حالی که‏ مناطقی که دارای ذخایر معتنابه گاز هستند مصرف زیادی ندارند.به طور مثال آمریکا با در اختیار داشتن‏ کمتر از 10 درصد ذخایر گاز جهان نزدیک به 40 درصد از گاز تولیدی جهان را مصرف می‏نماید و اروپا نیز با حدود 5 درصد از ذخایر گاز جهان،مصرف کننده نزدیک به 20 درصد از آنست.به همین‏ ترتیب در حوزه آسیا-پاسیفیک درصد مصرف بالاتر از درصد ذخایر می‏باشد.وجود چنین عدم‏ تعادلی در عرضه و تقاضای گاز جهان به تنهایی داد و ستد و جابه‏جایی گاز را در مناطق مختلف طلب‏ می‏نماید.

از سوی دیگر دو منطقه شوروی سابق(شامل روسیه-ترکنستان-قزاقستان و ازبکستان)و خاورمیانه(شامل ایران-قطر-امارات متحده عربی-عراق و کویت و عربستان)جمعا حدود 75 درصد از ذخایر ثابت شده گاز جهان را شامل می‏شوند.این ارقام به تنهایی گویای اهمیت استراتژیک‏ ایران از لحاظ منابع گاز جهان می‏باشد.زیرا علاوه بر این که ایران با دارا بودن بیش از 23 تریلیون متر مکعب مقام دوم ذخایر گازی پس از روسیه را در اختیار دارد،در میان دو قطب مهم گازی جهان واقع‏ شده که اهمیت استراتژیک آن را دو چندان می‏نماید.از لحاظ مقایسه بد نیست اشاره نمایم که ذخایر گازی ایران به تنهایی بیشتر از مجموع ذخایر گازی کشورهای عمده صادر کننده گاز یعنی نروژ،هلند، اندونزی،لیبی،الجزایر،ترکمنستان و قطر می‏باشد.

طبق مطالعات جامعی که اخیرا در مؤسسهء مطالعات بین‏المللی انرژی انجام شده است،تقاضا برای‏ گاز در جهان طی سالهای 1996-2020 با نرخی 2/2 الی 3/2 درصد به طور میانگین رشد خواهد داشت.

به طوری که تقاضای گاز در جهان در سال 2015 به 3200 میلیارد متر مکعب و در سال 2020 به رقم‏ 3500 میلیارد متر مکعب بالغ خواهد گردید که نسبت به سال مبناء 1995،70 درصد افزایش خواهد داشت.

از سوی دیگر برای برآورده نمودن این تقاضا چنانچه کلیه پروژه‏های در حال احداث و یا برنامه‏های توسعه منابع موجود را در نظر بگیریم،باز کمبود عرضه بین سالهای 2015-2010 بروز خواهد نمود.

با توجه به این که انجام پروژه‏های گاز به مدت زمان طولانی نیاز دارند،باید برای جبران هر نوع‏ کمبود برنامه‏ریزهای دقیق و مطالعات توجیهی از هم اکنون صورت گیرد.

همانطور که ذکر گردید منطقه خلیج فارس با دارا بودن ذخایر معتنابه گاز می‏تواند نقش اساسی در برطرف کردن این کمبودها ایفاء نماید.به طور مثال گاز ایران به صورت مایع (LNG) از همین جزیره‏ کیش و یا جزایر دیگر خلیج فارس می‏تواند به بازارهای متنوع جهانی اعم از کشورهای اروپایی،و آسیایی و خاور دور صادر گردد.

در ارزیابی اقتصادی گاز صادراتی از حوزه خلیج فارس باید به این نکته مهم توجه داشت که گرچه‏ میدانهای گازی این منطقه از بازارهای عمده مصرف جهان یعنی اروپا و خاور دور فاصله نسبتا زیادی‏ دارد،اما هزنیه کم تولید بین 3/0 الی 5/0 دلار برای هر میلیون BTU در مقایسه با هزینه تولید بین‏ 2/1-2/2 دلار برای هر میلیون BTU برای میادین گازی جدید اروپا و آفریقا و همچنین وجود مقیاس‏ اقتصادی میادین،مزیت نسبی برای گاز خلیج فارس ایجاد می‏نماید.به طور مثال میدان گازی پارس جنوبی 8/2 تریلیون متر مکعب در قسمت ایران و 2/4 تریلیون متر مکعب در قسمت قطر جمعا حداقل 7 تریلیون متر مکعب ذخیره دارد که پس از میدان گازی اورنگوی (Orengoy) روسیه با 8 تریلیون متر مکعب ذخیره،دومین میدان گازی جهان به شمار می‏آید.حال چنانچه بهره‏برداری مشترک‏ از این میدان عظیم گازی توسط ایران و قطر انجام گردد سبب ایجاد یک مقیاس اقتصادی مهم می‏شود که مسلما در توجیه سازی اقتصادی طرح بسیار مؤثر خواهد بود.نتیجه آنکه گاز خلیج فارس با وجود مسافت زیاد می‏تواند با برخی از پروژه‏های جدید تولید و صدور گاز در اروپا،آفریقا و خاور دور به راحتی رقابت نماید.

البته در تدوین و اجرای سیاستهای صادرات گاز مسلما کشورهای همجوار و نزدیک چه از لحاظ توجیه اقتصادی و چهاز لحاظ حسن همجواری و مودت منطقه‏ای مسلما در اولویت قرار دارند،که‏ انجام سریع عملیات صدور گاز ایران به ترکیه نمونه بارز آن است.

طبیعی است که وجود ذخایر عظیم گاز در برخی از نقاط جهان و تقاضای وافی در نقاط دیگر دنیا، همکاری و تفاهم بین‏المللی جهت ایجاد تعادل در داد و ستد گاز جهان را طلب می‏نماید.

لذا به اعتقاد من، توسعه صنعت گاز جهان ارتباط مستقیم با مسائل محیط زیست داشته و به همکاری‏ بین‏المللی برای ایجاد امنیت در بازار نیاز دارد.بی شک برای ایجاد این«امنیت»باید مکانیزمی به کار رود که ضمن استفاده مطلوب مردم جهان از گاز،اجرای عدالت در مورد طرفین داد و ستد نیز حاصل‏ گردد.از این رو باید پذیرفت که گاز یک کالای ارزشمند بین‏المللی است که تدوین خط مشی‏های مربوط به آن نمی‏تواند همواره تابع تمایلات خاص یک کشور باشد بلکه همکاری و هم فکری چند جانبه در این‏ مورد امری ضروریست.

شکی نیست که ایجاد کنسرسیومی از کشورهای صاحب گاز،شرکتهای بزرگ انرژی جهان، مصرف کنندگان نهایی و همچنین مؤسسات مالی و بانکهای برجسته بین‏المللی ترکیب مناسبی برای‏ انجام سرمایه‏گذاری و تحقق یافتن پروژه‏های معظم گازی جهان می‏تواند باشد.

بدیهی است که پدید آمدن تفاهم بین‏المللی که همکاریهای آتی بر پایه آن استوار باشد جو مناسب و آرامی را می‏طلبد که نقطه شروع آن می‏تواند همین کنفرانس در جزیره کیش در قلب خلیج فارس باشد.

متشکرم.

دربارهء جزیره کیش

کیش جزیره‏ای است بیضی شکل با 91 کیلومتر مربع مساحت که در 17 کیلومتری کرانه جنوبی ایران و حدود 300 کیلومتری بندرعباس در آب‏های نیلگون خلیج فارس واقع است.

منطقه آزاد کیش از نظر استراتژیک به دلیل نزدیکی به تنگه هرمز و دسترسی به اقیانوس هند و آبهای بین‏المللی و از طریق آن به شبکه قاره‏ هند،کشورهای آسیای جنوب شرقی و اروپا از اهمیت بسیار برخوردار است.

نزدیکی این جزیره با برخی از ذخائر بزرگ گاز طبیعی جهان واقع در خلیج فارس به اهمیت استراتژیک این منطقه می‏افزاید.

وضعیت حقوقی جزیره کیش به عنوان یک منطقه آزاد تجاری و صنعتی‏ امکان جذب سرمایه‏گذاری داخلی و خارجی را فراهم کرده است